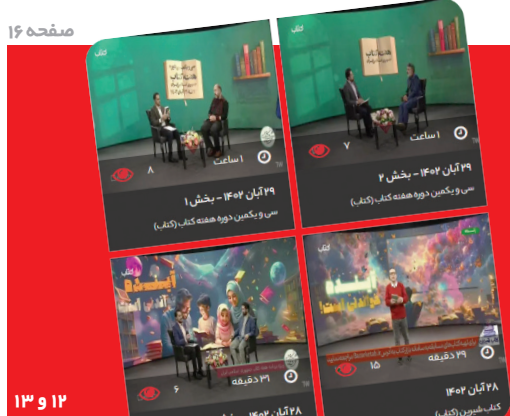


مانع تراشی بانک‌ها جلوی وام پروژه‌های مسکن



صفحه ۱۶

۱۳ میلیارد هزینه و بیننده‌های دورقمی شکست پروژه تلویزیون اینترنتی کتاب

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران

صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه

۵۰۰۰ تومان

فصل جدید را بنویسید؛ روایت سال‌های جنگ



شماره مسلسل ۳۷۵۱

مستفیه ۳۰ آبان ۱۴۰۲

۷۰۰ شماره مسلسل ۱۳۴۵

۲۱ نوامبر ۲۰۲۳

شماره ۳۰۱۳

عصای موسی

تصاویر جدید انصارالله از کشتی اسرائیلی همزمان با بی‌سابقه‌ترین حمله موشکی به تل‌آویو منجر به دست‌بالای مقاومت در مذاکرات آتش‌بس می‌شود



۷۹۲

به بهانه بازگشت پیکر محمدعلی اسلامی ندوشن به ایران در آغوش مادر بلاکشیده‌اش آرام گرفت

۱۲

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد در نشست خبری همایش بین‌المللی «طوفان الاقصی و غزه: روایت‌ها و واقعیت‌ها»:

باید تعامل سازنده‌ای با دانشگاه‌های جریان مقاومت برقرار کنیم

۳

آخرین آمارهای سامانه «آک» ایراندک درباره وضعیت کتابخانه‌ها چه می‌گوید؟

کتابخانه‌های دانشگاهی آب‌رفتند!

۴

درسی از اسلامی‌ندوشن



سیدسعید لوسانی استاد دانشگاه

درباره هویت ایرانی تعبیر مرحوم اسلامی‌ندوشن تعبیر دقیقی است، ما باید «ناظر نگران» باشیم و به این دلیل هم خوبی‌های فرهنگ و هویت ایرانی را شناسایی کنیم و دنبال ترویج آنها باشیم و هم بدی‌ها و آسیب‌های آن را؛ و دنبال طرد آنها باشیم. نقد خلیقیات ایرانیان در سیاست و فرهنگ و آموزش و زندگی روزمره خدمت به ایران و ایرانیان است و نباید از آن غفلت کرد و البته اصلی‌ترین نقد به فرهنگ و اخلاق شاهنشاهی و فرهنگ و اخلاق ارباب-رعیتی است که از درون به نبرد هویت ایرانی آمده است.

این تعبیر هم درست است که ایران چون اقیانوس محتومی است که باکی ندارد انگار تمام رودهای جهان فرهنگ را از هرجا که جوشیده باشند، در خود گرد آورد. این هم خوب است و هم باعث نگرانی است. نگرانی آنجاست که گروهی را مقلد می‌کند و این سم هویت ایرانی است. اما خوب است که راه را باز می‌کند تا بتواند فرهنگ خود را غنا بخشد.

اما با این نظر که «ایران، شرق را شوق نگه داشت و غرب را غرور، و خود او در این میان نیمه‌شرقی نیمه‌غربی شد و به‌طورکلی سرنوشتش آن گشت که بار دوگانه‌ای بر دوش داشته باشد.» هم موافق هستم و هم نقد دارم. شاکله هویت ایران «نه شرقی و نه غربی» است و از ابتدا چنین بود و هرگز نخواست رنگ دیگران را به خود بزند، بلکه تلاش کرد رنگ خود را به فرهنگ‌های دیگر بزند، حتی در رابطه با اسلام نیز چون آن را حق یافت با آن انس گرفت و عشق ورزید، زیرا کمال خود را در آن دید و به این دلیل اسلام امروزی و عباسی را نپذیرفت و رو به اسلام علوی آورد که حق را جلوه می‌دهد و در آن آرامش گرفت و به این ترتیب اسلام یکی از اصلی‌ترین عناصر هویت ایرانی شد. البته ما نسل خوشبخت و تاثیرگذاری هستیم که انقلاب اسلامی را دیدیم تا بتوانیم هویت اسلامی-ایرانی را تحقق عینی ببخشیم، بعد از اینکه قرن‌ها به دنبال آن بودیم و البته باید تلاش می‌کردیم عناصر ناورا- و از همه مهم‌تر عنصر خطرناک فرهنگ و سیاست شاهنشاهی را- از هویت ایرانی بزداییم و این کار را با اسلام انجام دادیم. اما هنوز به مقصد و مقصود نرسیدیم و خطرها به راه است... و البته هویت ایرانی تضاد دوگانه خیر و شر و نبرد بی‌پایان سپننامینو و انگره‌مینو را بر دوش می‌کشد تا درستی و راستی را در جان و سرزمین خود و جهان انسانی تحقق بخشد.

بنابراین باید ما با تکاپویی بی‌پایان، سرزمین مادری و خانه پدری خود را دوباره کشف کنیم و برای این مهم نباید سر از پا بشناسیم. در این مسیر سرزمین و مرزوبوم و خاک ایران هم مقدس می‌شود، نه اینکه خاکپرست شویم یا ایران پرست و بان‌ایران‌بیم باشیم، بلکه هویت ایرانی را کشف کنیم که هیچ شباهتی با نژادپرستی و قوم‌گرایی و ناسیونالیسم ندارد، بلکه توجه به هویت حریزگونه ایران به مشابه جهانی در میان جهان بدون روح مدرن است که روحی زنده و پویا دارد که هرگز از پا نشسته است و درعین حال که ایرانی است، اسلامی است و درعین حال که اسلامی است، جهانی است و خیر و نیکی را برای جهان می‌خواهد. خواست او سعادت کل بشریت است. این هویت نشان عالمی فوق فرهنگ است، بلکه فرهنگ را در خود دارد تا به هدفی متعالی برسد. آن عشق بازی با عنصر انس و انسانیت است که انسان ایرانی را به این باور رسانده که وظیفه‌ای بر دوش دارد که آن نه تنها رسالت است، بلکه اصالت اوست تا اولاً ایران و ثانیاً جهان بشریت را از پس هر ویرانی قنقوس و از خاکستر خود برانگیزد و روزگار آباد و آزاد را به ارمغان آورد.

آری ما درباره هویت ایرانی «ناظر نگران» هستیم یا لایب باید باشیم. اوابین روزبان ما هم زبان نقد است و هم زبان ستایش، بلکه زبان حکمت است، تا به ایرانیان نهیب زنیم و از وضع موجود- که دشمن ماست- بپرهانیم و او را به حرکت تحولی واداریم تا در زیر سیل بنیان‌برافکن جهان آشوبناک کنونی که جز ستم و فساد را نمی‌شناسد و جهان توهم و توهمات مضاعف است، دچار غفلت نشویم و زیر خروارها زر و زور و تزویر مدفون نشویم و به‌سوی وضع موجود رهسپار شویم. این درسی است که از اسلامی‌ندوشن آموختم. آری او معلم بود و می‌گفت: «بیا موزید اما در معلم خود متوقف نشوید و روی شانه‌های او سوار نشوید، بلکه ابق را پیدا و حرکت کنید.» خدایش رحمتش کند.

درخواست محاکمه بایدن به جرم مشارکت در نسل‌کشی

درمان کردم. اجساد دانشجویان پزشکی و خانواده‌هایشان را تحویل گرفتم و دیدم که بیمارستان به پناهگاهی برای ده‌ها هزار نفر تبدیل شده است؛ چراکه همه ما سوخت، برق، آب و غذا را از دست داده‌ایم. ایالات متحده باید جلوی این نسل‌کشی را بگیرد. هر کسی در هر نقطه‌ای از دنیا وظیفه دارد آن را متوقف کند.»

چرا اقدامات اسرائیل نسل‌کشی محسوب می‌شود؟

در این دادخواست که خواهان اعلام و صدور حکم قضایی است، تاکید شده که به‌رغم توجه به اقداماتی که حماس مرتکب شده است، چنین اقداماتی از نظر قانونی نمی‌تواند اشکالاتی چون هدف قرار دادن کل جمعیت و مجازات دسته‌جمعی انجام گرفته توسط دولت اسرائیل را توجیه کند، چه برسد به اینکه توجیهی برای نسل‌کشی باشد. از ۸ اکتبر تاکنون رژیم صهیونیستی بیش از ۱۱۰۰۰ نفر فلسطینی را که اغلب آنها غیرنظامی و شامل ۴۶۰۰ کودک بوده‌اند، به قتل رسانده و بیش از ۱٫۵ میلیون نفر آواره کرده است. هزاران فلسطینی همچنان مفقود هستند و تخریب بیمارستان‌ها، مدارس و بیشتر زیرساخت‌های غزه و همچنین محرومیت عمده‌ی از دسترسی به آب، غذا، برق و دارو عمل‌زندی در غزه را غیرممکن کرده است.

ارتش رژیم صهیونیستی مناطق غیرنظامی و زیرساخت‌ها را هدف قرار داده- حتی با بهره‌گیری از تسلیحات شیمیایی- و فلسطینی‌ها را از ضروریات اساسی محروم کرده است؛ آن‌هم در شرایطی که رویکرد انسان‌زدایی فلسطینی‌ها را در پیش گرفته و آنها را به عنوان «حیوانات انسان‌نما» که مستحق حمایت‌های بشری نیستند، معرفی می‌کند و سوگند می‌خورد که همه چیز را از بین ببرد. همه اینها روشن می‌کند که تاکید بر آسیب و نه دقت (مورد ادعای اسرائیل) است. اینها شواهد گسترده‌ای هستند که اقدامات دولت اسرائیل یک نسل‌کشی آشکار است. کنوانسیون نسل‌کشی اقداماتی را که به منظور نابود کردن کامل یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از طریق کشتن، آسیب جدی جسمی و روانی بر یک گروه هدف یا ایجاد شرایطی از زندگی به منظور نابودی کامل یا جزئی آنها انجام می‌گیرد، به‌عنوان نسل‌کشی تعریف کرده است. اما درکنار همه این موارد، باید گفت که این پرونده با بیانه‌های «ولپام شاپاس» متخصص برجسته حقوق در زمینه نسل‌کشی نیز هم‌راه شده است. در این بیانه وی و بزرگی‌های اظهارات دولت اسرائیل، حملات نظامی مرگبار و محاصره کامل را نشانه‌های نسل‌کشی معرفی می‌کند و درعین حال نقض وظیفه قانونی از سوی ایالات متحده را مورد تایید قرار می‌دهد. علاوه بر این یک بیانه تخصصی جداگانه نیز توسط جان کاکس، ویکتوریا سنفورد و بری تراختربرگ دانشمندان حوزه مطالعات نسل‌کشی و هولوکاست ضمیمه دیگری از پرونده محسوب می‌شود که در آن توضیح داده شده که چگونه نیات و اقدامات نسل‌کشی رهبران اسرائیل، با دیگر نسل‌کشی‌های تاریخ معاصر مشابهت دارد.

مستندات اعلام جرم علیه بایدن و وزیرای کابینه آمریکا

کاترین گالاکر، وکیل ارشد مرکز حقوق اساسی ویکی از وکلای این پرونده می‌گوید «در پنج هفته گذشته رئیس‌جمهور بایدن و وزرای خارجه و دفاع بلینتن و آستین، شانه به شانه در کنار حکومتی ایستاده‌اند که قصد خود را برای نابودی جمعیت فلسطینی در غزه آشکار کرده است. همان‌طور که محله به محله، بیمارستان به بیمارستان و به همراه آنها پناهگاه‌های فلسطینی‌های آواره بمباران شده‌اند و در حالی که مردم در محاصره و انسداد کاملی قرار داشتند که نیازهای انسانی ۲۲ میلیون انسان برای زندگی مورد انکار قرار می‌گرفت، آنها [بایدن و تیمش] همچنان به حمایت نظامی و سیاسی از کمپین نسل‌کشی در اسرائیل ادامه

یادداشت

میراحمدرضا مشرف پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در روزهای اخیر طرح شکایتی از بایدن رئیس‌جمهور آمریکا و چند تن دیگر از اعضای کابینه وی در دادگاه فدرال آمریکا ارائه شده که بازتاب فراوانی در رسانه‌های آمریکا داشت. در واقع این شکایت مورد توجه قرار گرفت؛ چراکه یک شکایت ساده و پیش‌پا افتاده نبود، بلکه طرح اتهامی سنگین یعنی مشارکت در نسل‌کشی فلسطینیان، به رئیس‌جمهور بایدن و بلینتن وزیر خارجه و آستین وزیر دفاع، دوتن از اعضای کابینه ایالات متحده بود. اگر به اطلاعات منتشر شده درباره این پرونده در «مرکز حقوق اساسی» ایالات متحده مراجعه کنیم، متوجه خواهیم شد که به چه میزان این پرونده مهم و حساس تلقی شده و چه استدلال‌های حقوقی در پس آن وجود دارد که می‌تواند دلیتمردان ایالات متحده و شرکای آنها در تل‌آویو را به شدت دچار آشفتگی کند. در اینجا به برخی زوایای این پرونده می‌پردازیم که در سایت مرکز حقوق اساسی به‌عنوان یکی از طرف‌های ذی‌نفع، مورد اشاره قرار گرفته است.

اعلام اقامه دعوا علیه رئیس‌جمهور بایدن و وزرای کابینه وی

سایت مرکز حقوق اساسی آمریکا از شکایتی خبر می‌دهد که براساس آن تعدادی از فلسطینی‌ها از دادگاه فدرال ایالات متحده خواسته‌اند تا رئیس‌جمهور بایدن و وزیر امور خارجه بلینتن و آستین وزیر دفاع را از تداوم ارائه تسلیحات، پول و همچنین حمایت دیپلماتیک به رژیم صهیونیستی منع کند؛ چراکه یک نسل‌کشی آشکار به وسیله دولت اسرائیل علیه شهروندان غیرنظامی غزه در حال جریان است و مقامات آمریکایی قانوناً وظیفه دارند تا از این جنایات جلوگیری کنند. در این پرونده به‌طور صریحی ذکر شده است که رئیس‌جمهور و وزرای ذکرشده در چهارچوب سمت رسمی‌ای که دارند، نه تنها در جلوگیری از یک نسل‌کشی آشکار، آن‌هم در شرایط برخورداری از نفوذ لازم بر دولت اسرائیل ناگام مانده‌اند، بلکه مستقیماً با استفاده از سلاح، منابع مالی و پوشش دیپلماتیک در توسعه این نسل‌کشی سهیم شده‌اند. این شکایت نیز بربنیای نقض وظایف مندرج در کنوانسیون نسل‌کشی و حقوق بین‌الملل عرفی انجام گرفته است.

شاکیان چه کسانی هستند؟

این شکایت از طرف شاکیان و به‌واسطه مرکز حقوق اساسی و شرکت حقوقی «وان در هوت، ال پی ال» به دادگاه فدرال ارائه شده است. شاکیان تعدادی از اشخاص حقیقی فلسطینی-آمریکایی و همچنین برخی سازمان‌های حقوق بشری مانند بخش بین‌المللی دفاع از کودکان فلسطینی و موسسه الحق هستند. در میان اشخاص حقیقی نام‌هایی چون دکتر عمر النجار، محمد احمد ابورکیه، لیلال‌الحداد، یاسم الکررا و یکی از شهروندان آمریکایی با نام اختصاری «ای.ان» به چشم می‌خورد. اغلب این افراد شهروندان ایالات متحده به‌شمار می‌آیند که با خانواده‌های خود در غزه سکونت دارند. تعدادی از آنها همه اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند و شماری دیگر در غزه تحت محاصره قرار گرفته یا آواره شده‌اند. برخی نیز چون شهروند آمریکایی که نام مختصر آن ذکر شد، اقوامی در غزه دارند. دکتر عمر النجار پزشک ۲۴ ساله یک مجتمع پزشکی در خان یونس و یکی از شاکیان این پرونده، در رابطه با لابلیل طرح شکایت خود این‌گونه می‌گوید: «صادقانه بگویم، با بیینی تمام صحنه‌های فتنه‌گدشته دشوار است. وقتی آنها را به یاد می‌آورم درهایی به جهنم باز می‌شود. من پنج نفر از بستگان خود را از دست دادم، تعداد زیادی از کودکان را که تنها با ماندگان خانواده‌های خود بودند،